

عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان و ایران

محب الله بشری^۱

چکیده

عوامل عینی سقوط مجازات، عواملی است که با عمل مرتکب یا سابقه رسیدگی قضایی ارتباط دارد. در این تحقیق عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان و ایران به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی بررسی شده است. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. هدف تحقیق، مقایسه عوامل عینی سقوط مجازات در دو نظام حقوقی افغانستان و ایران است که کدام اسباب در حقوق جزای افغانستان و کدام اسباب در حقوق جزای ایران به عنوان عوامل عینی سقوط مجازات شناخته شده است و وجه مشابهت و افتراق آنها در چیست. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مرور زمان در حقوق جزای افغانستان دو نوع است اما در حقوق جزای ایران مرور زمان چهار مصداق دارد. نسخ و عفو عمومی در حقوق جزای افغانستان و ایران یکسان است به این معنا که آثار آن در هر دو کشور مشترک می‌باشد.

واژگان کلیدی: عوامل عینی سقوط مجازات، مرور زمان، عفو، نسخ، حقوق جزای افغانستان، حقوق جزای ایران

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمية، کابل، افغانستان.

مقدمه

در حقوق جزای افغانستان و ایران، اسباب عینی سقوط مجازات عبارت‌اند از مرور زمان، نسخ قانون، اعتبار امر مختومه، عفو عمومی و اعمال قاعده درأ است؛ که اعمال قاعده درأ در نظام حقوقی افغانستان بحث نشده است و فقط در نظام حقوقی کشور ایران بحث شده است. در حقوق جزای افغانستان تا اکنون تحت عنوان عوامل عینی سقوط مجازات اثری چاپ نشده؛ اما در حقوق جزای ایران بعضی کتب و مقالات در این زمینه تدوین و چاپ شده است. نظام حقوقی افغانستان به دلیل جدید بودن و نیز کمبود نیروی تخصصی و مسلکی با مشکلات و چالش‌های روبرو است.

۱. مفاهیم

۱-۱. عوامل

عوامل جمع عامل بوده در لغت به معنای کارکنان و کارگران آمده، (عمید، ۱۳۸۸: ۹۲۰) ولی در اصطلاح علم حقوق تولید در زراعت را گویند؛ یعنی آب و خاک یا به عبارت دیگری عوامل تولید در صنایع را گویند یعنی کار، سرمایه و زمین را گویند.

۱-۲. عینی

کلمه عینی از عین گرفته شده به معنی چشم و چشمه است که جمع آن عیون و اعیان است که به معنی ذات یا نفس هر چیز را گویند (حسن، عمید، ۱۳۸۸، ۹۲۲) و در اصطلاح علم حقوق عین عبارت از هر چیزی را گویند که قابل تصرف و انتفاع باشد.

۱-۳. سقوط

سقوط در لغت به معنی افتادن و فرود آمدن بر زمین را گویند (عمید، ۱۳۸۸، ۵۸۳) و در اصطلاح علم حقوق؛ سقوط عبارت از بین رفتن جرائم و مجازات را گویند که در صورت موجودیت عوامل آن؛ جرائم و مجازات به شکل کلی یا قسمی سقوط نموده دیگر قابلیت تطبیق را ندارد.



۱-۴. جزا و مجازات

مجازات در لغت به معنی پاداش نیکی و بدی خصوصاً پاداش یا سزای بدی دادن را گویند (محمد، معین، ۱۳۸۷، ۹۶۹) و در اصطلاح علم حقوق عبارت از جزای است که به خاطر نقض قوانین و یا ارتکاب جرم بر شخص مجرم مطابق احکام قانون تطبیق می‌گردد. جزا عبارت از موئیده است که در قانون برای اعمال جرمی پیش‌بینی شده و از طرف محکمه در مورد مرتکب با رعایت اساسات این قانون حکم می‌شود (ماده ۱۳۳ کود جزا).

۱-۵. نسخ

نسخ در لغت به معنی باطل کردن، زایل کردن و تغییر صورت دادن را گویند (حسن عمید، ۱۳۸۸، ۹۱۲) و در اصطلاح علم حقوق؛ نسخ قانون؛ عبارت از بین بردن قانون سابق با وضع نمودن قانون جدید را گویند که در صورت وضع نمودن قانون جدید، قانون سابق به‌طور اتوماتیک نسخ می‌گردد و یا به عبارت دیگری نسخ قانون عبارت از اسقاط اعتبار یک قانون به وسیله قانون دیگر توسط مرجع ذیصلاح را گویند.

۱-۶. عفو

عفو در لغت عبارت از بخشودن، از گناه کسی گذشت نمودن و گذشت نمودن را گویند (محمد، معین، ۱۳۸۷، ۷۱۹). در اصطلاح علم حقوق، عفو عبارت از اسقاط مجازات به واسطه رئیس کشور را گویند.

۱-۷. مرور زمان

مرور در لغت به معنی رفتن، گذشتن، گذر کردن و مطالعه اجمالی کتاب را گویند (حسن، عمید، ۱۳۸۸، ۸۵۵)؛ و کلمه زمان در لغت به معنی عصر و وقت را گویند (حسن، عمید، ۱۳۸۸، ۵۴۱) و در اصطلاح علم حقوق، مرور زمان عبارت از گذشت موعده معینی است که بعد از سپری شدن آن به حکم قانون مجازات قطعی محکوم بها ساقط می‌شود.

۲. مصادیق عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان

درباره عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان، در ماده ۷۱ قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۳ افغانستان در مورد حالات سقوط دعوی جزایی و مجازات بیان شده که احکام آن طوری ذیل است.

دعوی جزایی و مجازات در حالات آتی ساقط یا توقف می‌گردد:

- ۱- در حالت مرور زمان
 - ۲- در صورت وفات متهم
 - ۳- در صورت عفو عمومی
 - ۴- در صورت الغای حکم قانونی که عمل مرتکبه را جرم شمرده است
 - ۵- در صورت انصراف مجنی علیه از شکایت در مورد جرائم مندرج ماده شصت و سوم این قانون
 - ۶- در صورتی که شخص قبلاً به اتهام عین جرم مورد محاکمه قرار گرفته و حکم قطعی در مورد وی صادر شده باشد
 - ۷- مرور زمان بنابر علل و اسباب خارج از اراده مقامات مربوط متوقف می‌گردد، آغاز مجدد مرور زمان موقوف به پایان زمان توقف است.
- از حکم ماده ۷۱ این قانون چنین استنباط می‌گردد که در صورت موجودیت آن دعاوی جزایی ساقط و یا متوقف می‌شود.

۱-۲. مرور زمان

مرور زمان عبارت است از انقضای مدتی از تاریخ وقوع جرم یا تاریخ قطعیت حکم که پس از آن متهم دیگر قابل تعقیب و حکم دیگر قابل تطبیق نخواهد بود.

۱-۱-۲. انواع مرور زمان

در حقوق جزای افغانستان، مرور زمان به دو نوع تقسیم شده است که اول آن مرور زمان دعوی جزایی و دوم آن مرور زمان مجازات است.

مرور زمان دعوی جزایی عبارت از سپری شدن مدتی را گویند که در قانون



پیش‌بینی شده و بعد از انقضای آن، جرائم مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی‌تواند. مرور زمان مجازات عبارت از سپری شدن مدتی را گویند که در قانون پیش‌بینی شده و بعد از انقضای آن، حکم اجرا نخواهد شد.

۲-۱-۲. فلسفه وضع مرور زمان:

در رابطه به وضع قاعده مرور زمان تمام مکاتب حقوق جزا با سقوط مجازات از اثر مرور زمان موافق نبوده بلکه مخالفت نشان داده‌اند که مانند مکاتب اثبات‌گرایی و عدالت مطلق مخالف سقوط مجازات به واسطه مرور زمان است. بناءً مخالفان و موافقان مرور زمان از خود یک سلسله دلایلی را به‌منظور استحکام سخنانشان ارائه می‌نمایند که قرار ذیل است.

الف: دلایل موافقان مرور زمان

دلایل موافقان مرور زمان به‌طور شماره وار قرار ذیل‌اند.

دلیل اول - با گذشت مدت مشخص زمان از ارتکاب جرم، خاطرات آن از اذهان مردم به باد فراموشی سپرده شده و مردم دیگر علاقه تعقیب عدلی و تطبیق مجازات را بالای متهم ندارد.

دلیل دوم - هرگاه یک عمل جرمی یا مجازات مورد تعقیب عدلی و تطبیق قرار نمی‌گیرد چنین پنداشته می‌شود که موظفین مربوطه دولت به وظایفشان کوتاهی نموده از این لحاظ علاقه به تعقیب چنین جرائم وجود ندارد.

دلیل سوم - زمانی که مدت بیشتری از ارتکاب جرائم سپری شد ممکن دلایل و شواهدی که در زمینه وجود داشته باشد از بین رفته و شاهد برگزاری یک محاکمه عادلانه نخواهیم بود.

ب: دلایل مخالفان مرور زمان

برخی از حقوق‌دانان حقوق جزا نسبت به قاعده مرور زمان موافق به بوده بلکه مخالفت خویش را اظهار می‌نمایند که و میگویند که تطبیق مرور زمان من حیث یکی از اسباب سقوط مجازات برای حفظ نظم و امنیت جامعه مضر و خطرناک می‌باشند ایشان عقیده دارند که این عمل مخالف قاطعیت اجرای مجازات‌ها و مضر

برای امنیت جامعه و حقوق افراد است.

۳-۱-۲. مدت و مبدأ محاسبه مدت مرور زمان

مدت مرور زمان در حقوق جزای افغانستان، در تمام جرائم از قبیل جنایات، قبیاح و جود دارد. طوری که برای دعوی جزایی و مجازات در قانون مدت معین مشخص شده است که از مدت مرور زمان دعوی جزایی صرف نظر نموده و فقط مدت مرور زمان مجازات بحث می‌گردد. بر اساس حکم ماده ۷۶ قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۳ افغانستان، مجازات محکوم بها بعد از گذشت مواعید ذیل از تاریخ صدور حکم ساقط می‌گردد.

- مجازات اعدام بعد از مرور مدت ۲۵ سال

- مجازات حبس دوام بعد از مرور مدت ۲۰ سال

- مجازات حبس طویل بعد از مرور مدت ۱۰ سال

- مجازات حبس متوسط بعد از مرور مدت ۵ سال

- مجازات حبس قصیر بعد از مرور مدت ۱ سال ساقط می‌گردد.

و حال محاسبه مدت مرور زمان توضیح داده می‌شود که هدف از محاسبه مرور زمان عبارت از رعایت نمودن مرور زمان با روزی است که مبدأ یا آغاز مدت مرور زمان را می‌رساند؛ که در انواع مختلف جرائم محاسبه آن باهم فوق دارد قسمی که در ماده ۷۳ این قانون در مورد محاسبه مدت مرور زمان چنین صراحت دارد.

مرور زمان در مورد شروع به انجام عنصر مادی جرم (جرم ناقص) از آغاز ارتکاب، در جرم اعتیادی از تاریخ انجام جرمی که اعتیاد را به بار می‌آورد، در جرائم متوالی و استمراری از تاریخ وقوع آخرین عمل جرمی، در مورد جرائم اختلاس و تزویر از تاریخ کشف واقعه جرمی و در مورد سایر جرائم از لحظه ارتکاب جرم محاسبه می‌گردد.

بعضی از حقوقدانان این مدت را از تاریخ فردای روز ارتکاب جرم قابل محاسبه دانسته‌اند (محمد اشرف، رسولی، ۱۳۹۹، ۷۲۹). ایشان به این عقیده هستند که روزی که جرم ارتکاب پیدا می‌کند و مبدأ محاسبه آن از فردای روز ارتکاب آغاز گردد.

۴-۱-۲. انقطاع و تعلیق مرور زمان و محاسبه آن

انقطاع مرور زمان عبارت از حدوث واقعه یا عملی است با یک سلسله اجرائات است که به اثر آن مدت مرور زمان قطع می‌شود؛ طوری که مرور زمان آغاز نشده باشد و یا وجود این حادثه مرور زمان سر از همین وقت دوباره شروع شود؛ یعنی مدتی که قبلاً سپری شده، با مدتی که قانون برای مرور زمان مشخص نموده است محاسبه نمی‌شود.

انقطاع مرور زمان با در نظر داشت یک سلسله تدابیر مختلف در مراحل مختلف تحقیق، تعقیب و محاکمه منقطع می‌گردد.

۵-۱-۲. قلمرو مرور زمان

قاعده مرور زمان بالای تمام جرائم اعم از جرائم جنایات، قبیح تطبیق می‌گردد؛ اما کود جزای مصوب ۱۳۹۶ افغانستان، بعضی از جرائم را مستثنا قرار داده است طوری که در فقره دوم ماده ۷۲ خویش چنین صراحت دارد. «جرائم مندرج اساسنامه محکمه جزایی بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک روم از حکم مندرج فقره ۱ این ماده مستثنا است». از حکم ماده فوق چنین استنباط می‌گردد که قاعده مرور زمان بالای تمام جرائم قابل تطبیق بوده به جز در جرائم مشمول ماده ۵ اساس نامه دادگاه کیفری بین‌المللی که این جرائم شامل جنایات نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز است که از توضیح هر کدام آن صرف نظر می‌گردد.

۶-۱-۲. آثار مرور زمان

هرگاه مجازات به اثر مرور زمان ساقط گردد در نتیجه یک سلسله آثار و نتایجی را ببار می‌آورد که طور ذیل است. ماده ۷۸ قانون اجرائات جزایی افغانستان در مورد آثار مرور زمان چنین مشعر است. «سقوط مجازات غیر مالی باعث سقوط محکومیت مالی شخص نمی‌گردد. حکم بر مجازات مالی اعاده مال، جبران خسارت و مصادره وسایل مستعمله در جرم و عواید ناشی از جرم با وجود سقوط جزا بر دارایی محکوم علیه تنفیذ می‌گردد».



۲-۲. نسخ یا الغای حکم قانون

نسخ یا الغای حکم قانونی که عمل مرتکبه را جرم پنداشته باشد یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان به شمار رفته‌اند.

۲-۲-۱. انواع نسخ قانون

نسخ قانون معمولاً به دو نوع تقسیم شده‌اند که اول آن نسخ صریح قانون و دوم آن نسخ ضمنی قانون است.

الف: نسخ صریح قانون

نسخ صریح قانون عبارت از نسخ است که قانون‌گذار علاوه بر اعلان قانون جدید، قانون سابقه را منسوخ اعلان نماید که قانون جدید را ناسخ و قانون سابق را منسوخ گویند؛ یعنی این الفاظ به شکل صریح و واضح صورت گرفته باشد.

ب: نسخ ضمنی قانون

نسخ ضمنی قانون عبارت از نسخ است که قانون‌گذار صراحتاً نه بلکه ضمناً حکم سابق را زایل نماید یعنی اینکه قانون جدید به طور ضمنی قانون سابق را منسوخ نماید.

۲-۳. عفو عمومی

عفو عمومی یکی از جمله عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان پنداشته شده است که توضیح آن قرار ذیل است. در صورت ساقط شدن جرائم و مجازات‌ها از اثر عفو عمومی از خود یک سلسله آثار و نتایج را بار می‌آورد که این آثار چنین است. ماده ۷۹ قانون اجرائات جزایی افغانستان چنین مشعر است «عفو عمومی موجب اخلال حقوق غیر نمی‌گردد». به این معنی که در تمام احوال عفو عمومی نمی‌تواند که حقوق غیر را اخلال نماید.

۲-۴. اعتبار امر مختومه کیفری

اصل اعتبار امر مختومه کیفری که به نام‌های منع محاکمه مضاعف و احکام قطعی محاکم هم یاد می‌گردد یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات به شمار رفته‌اند که توضیحات آن قرار ذیل است. هرگاه در یک قضیه کیفری از طرف دادگاه یک بار



حکم صادر شده باشد در این صورت حکم قطعیت حاصل نموده باشد پس نمی تواند که بار دلیل اینکه جزای وی کم است محکوم علیه و مجرم را دوباره مورد محاکمه و مجازات قرار بدهد که این قاعده بنام قاعده اعتبار امر مختومه یاد می گردد.

۱-۴-۲. شرایط اعتبار امر مختومه

اینکه اعتبار امر مختومه را من حیث یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات پنداشته شود پس لازم است که از خود یک سلسله شروط داشته باشد که این شرایط قرار ذیل اند.

شرط اول: وحدت اصحاب دعوی

هدف از وحدت اصحاب دعوی این است که اصحاب دعوی شامل متهم و مجنی علیه می گردد در قضیه یکی باشند یعنی اصحاب دعوی باید وحدت داشته باشند.

شرط دوم: وحدت سبب دعوی

هدف از سبب دعوی عبارت از مبانی یا اهدافی است که بر اساس آن اقدام به رسیدگی می شود به این ترتیب در رسیدگی جزایی، سبب دعوی اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به شخص است که ادعا شده که به نظم جامعه صدمه وارد نموده است.

شرط سوم: وحدت موضوع دعوی

هدف از وحدت موضوع دعوی این است که عمل موضوع تعقیب جزایی در رسیدگی جدید همان عملی است که در رسیدگی سابق مطرح بوده باشد.

۳. مصادیق عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای ایران

بر اساس قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ایران و مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، این اسباب را تحت عنوان موارد موقوفی تعقیب امر کیفری و اجرای مجازات احکام وجود دارد طوری که در ماده ۱۳ این قانون چنین آمده است. تعقیب امر کیفری طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی شود، مگر در موارد ذیل:



الف - فوت متهم یا محکوم علیه.

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت.

پ - شمول عفو.

ت - نسخ مجازات قانونی.

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون.

ج - توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون.

چ - اعتبار امر مختومه.

بر اساس حکم ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ایران، از جمله موارد هفتگانه فوق الذکر فقط سه موارد آن مانند نسخ مجازات قانونی، مرور زمان و اعتبار امر مختومه؛ از جمله عوامل عینی سقوط مجازات به شمار می رود و متباقی آن موارد شخصی سقوط مجازات پنداشته می شود که با آن سر و کاری نداریم.

بر اساس مواد ۹۶ - ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، در فصل یازدهم خویش تحت عنوان سقوط مجازات که تقریباً شامل ۲۶ مواد می گردد در رابطه به سقوط مجازات صراحت دارد که موارد ذیل را از جمله اسباب سقوط مجازات پنداشته اند مانند

الف - عفو

ب - نسخ قانون

پ - گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت

ت - مرور زمان

ث - توبه مجرم

ج - اعمال قاعده درأ.

می باشند که از این موارد شش گانه فوق الذکر فقط سه مورد آن از جمله اسباب عینی سقوط مجازات به شمار می رود مانند نسخ قانون، مرور زمان و اعمال قاعده درأ است و متباقی آن از جمله اسباب شخصی سقوط مجازات گفته می شود.

فشرده موضوع اینکه موارد مانند مرور زمان، عفو عمومی، نسخ قانون، اعتبار امر



مختومه و اعمال قاعده در آن را من حیث عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای ایران پنداشته می‌شود که هرکدام آن عوامل را به‌طور جداگانه تحت بحث و بررسی قرار داده می‌شود.

۱-۳. مرور زمان

قاعده مرور زمان در حقوق جزای ایران یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات پنداشته شده است که اینک با زیر مجموعه‌اش بررسی می‌شود:

۱-۱-۳. انواع مرور زمان

بر اساس مواد ۱۰۶ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، مرور زمان به چهار نوع شناخته شده است که عبارت از مرور زمان شکایت، مرور زمان تعقیب، مرور زمان صدور حکم و مرور زمان اجرای حکم یا مجازات می‌باشند.

۱- مرور زمان شکایت: عبارت از انقضای مدتی است که شخص متضرر از وقوع جرائم قابل گذشت مطلع شود و از متهم شکایت نکند که در نتیجه جرائم قابل گذشت تحت مرور زمان رفته‌اند؛ و بزه دیده نمی‌تواند که شکایت نماید زیرا حق شکایت وی تحت مرور زمان رفته است.

۲- مرور زمان تعقیب: عبارت از گذشت مدتی از تاریخ وقوع جرم است که بعد از گذشت این مدت متهم دیگر قابل تعقیب نبوده و مدت مرور زمان تعقیب نسبت به مدت مرور زمان شکایت بیشتر بوده است.

۳- مرور زمان صدور حکم: عبارت از انقضای مدتی است که از آخرین اقدامات تعقیبی و یا حقیقی در قضیه جزایی الی صدور حکم قطعی شکل می‌گیرد که این نوع مرور زمان مربوط به قضایای تشکیل شده جهت تعقیب جرم است. طوری که در این مدت قبل از اینکه بالای قضیه حکم قطعی صادر شود تحت مرور زمان می‌رود.

۴- مرور زمان اجرای حکم یا مجازات: عبارت از گذشت مدتی از تاریخ قطعی شدن حکم محکومیت که بعد از آن دیگر امکان اجرای آن نسبت به محکوم‌علیه نباشد. اصولاً مرور زمان اجرای مجازات نسبت به مرور زمان تعقیب بیشتر است.



۲-۱-۳. مدت و مبدأ محاسبه مدت مرور زمان

در حقوق جزای ایران، مدت مرور زمان و چگونگی محاسبه مدت مرور زمان طوری است که بر اساس احکام ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، چنین مشعر است «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدامات تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعید به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:

الف - جرائم تعزیری درجه ۱ تا درجه ۳ با انقضای مدت ۲۰ سال؛

ب - جرائم تعزیری درجه ۴ با انقضای مدت ۱۵ سال؛

پ - جرائم تعزیری درجه ۵ با انقضای مدت ۱۰ سال؛

ت - جرائم تعزیری درجه ۶ با انقضای مدت ۷ سال؛

ث - جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ با انقضای مدت ۵ سال. ساقط می‌گردد.

- مبدأ مرور زمان شکایت: مبدأ مرور زمان در شکایت، عبارت از تاریخ اطلاع بزه دیده از وقوع جرم است. آگاهی و اطلاع متضرر از جرم مربوط به ذهن و فکر بزه دیده است؛ اصل بر عدم اطلاع و آگاهی است مگر اینکه شواهدی یا مدارکی بر اطلاع متضرر بر وقوع جرم موجود باشد.

- مبدأ مرور زمان تعقیب: عبارت از تاریخ وقوع جرم است که اگر جرم از نوع جرائم مرکب باشد که تاریخ تحقیق مرور زمان آن آخرین جزء است که سبب کامل شدن جرم می‌گردد. و هرگاه جرم از نوع جرائم ساده باشد تاریخ تحقق مرور زمان آن همان تاریخ خاتمه عمل خواهد بود.

- مبدأ مرور زمان صدور حکم: مبدأ مرور زمان صدور حکم بر اساس حکم ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی عبارت از تاریخ آخرین اقدامات تحقیقی و یا تعقیبی است.

مبدأ مرور زمان تطبیق مجازات: مبدأ مرور زمان در اجرای مجازات عبارت از تاریخ قطعیت حکم محکمه است که هرگاه حکم محکمه ذیصلاح قطعیت پیدا کرد در نتیجه مرور زمان اجرای مجازات تطبیق می‌گردد.



۳-۱-۳. انقطاع و تعلیق مرور زمان

معمولاً دودسته عوامل موجود است که مانع تحقق مرور زمان و یا زمینه تعقیب یا اجرا را فراهم می‌سازد که یک دسته آن بنام عوامل انقطاع مرور زمان و دسته دیگری را بنام عوامل تعلیق مرور زمان یاد می‌نماید.

الف: عوامل انقطاع مرور زمان

در رابطه به قطع مرور زمان در انواع مرور زمان به‌طور جداگانه چنین توضیح داده می‌شود که

۱- عامل قطع در مرور زمان شکایت: چیزی که سبب قطع در مرور زمان شکایت می‌شود عبارت از اقدام به شکایت جزایی توسط شخص متضرر یا بزه دیده است پس هرگاه متضرر از حق شکایت خویش استفاده نماید در نتیجه باید در ظرف یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم به شکایت خویش اقدام نماید.

۲- عامل قطع در مرور زمان تعقیب: عامل انقطاع در مرور زمان تعقیب عبارت از تعقیب متهم است که هدف از تعقیب همان شروع به تعقیب است یعنی همان آغاز به تعقیب متهم است که هرگاه تعقیب متهم آغاز گردید در نتیجه مرور زمان قطع می‌شود.

۳- عامل قطع در مرور زمان صدور حکم: عامل انقطاع در مرور زمان صدور حکم عبارت از قطعیت یافتن احکام جزایی است، یعنی هرگاه حکم دادگاه قطعیت پیدا کرد در نتیجه مرور زمان آن قطع می‌شود.

۴- عامل قطع در مرور زمان مجازات: در مرور زمان اجرای حکم یا مجازات، عامل قطع مرور زمان عبارت از آغاز به اجرای مجازات است، بر اساس حکم ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، «مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به‌قرار زیر است: ...».

ب: عوامل تعلیق مرور زمان

تعلیق مرور زمان عبارت از حالتی است که جریان مرور زمان بنا بر دلایل اسباب خارجی متوقف شود؛ برعکس قطع مرور زمان، اولاً اگر مدتی قبلاً سپری شده باشد، مدت متذکره بعد از رفع حالت تعلیق محاسبه خواهد شد. ثانیاً بعد از اینکه دوره



تعلیق ختم شود امکان مشمول مرور زمان وجود دارد.

۱- عامل تعلیق در مرور زمان شکایت: در مرور زمان شکایت، اگر متضرر جرم بعد از اطلاع از وقوع جرم تحت سلطه مرتکب قرار گیرد و نتواند که شکایت کند یا بنا بر دلایل قهری قادر به مراجعه به مراجع ذیصلاح غرض تقدیم شکایت خویش نشود در نتیجه مرور زمان به تعلیق درآمده و جریان پیدا نمی‌کند.

۲- عامل تعلیق در مرور زمان تعقیب: در تعلیق در مرور زمان تعقیب، علت آن این است که هرگاه متهم از جمله افرادی باشد که تعقیب کیفری وی منوط به اخذ اجازه از مقامی خاص باشد، مانند قضات؛ در تعقیب کیفری قضات باید قبل از تعقیب از مقام مذکور اجازه اخذ نماید و در این صورت مرور زمان تعقیب هم به جریان نخواهد افتید، در این حالت مرور زمان در حالت تعلیق درآمده تا اینکه از مقام ذیصلاح اجازه کسب نماید و مرور زمان محاسبه می‌شود.

۳- عامل تعلیق در مرور زمان صدور حکم: عامل تعلیق در مرور زمان صدور حکم، عبارت از عواملی است که بعد از انجام آخرین اقدامات تعقیبی یا تحقیقی به طور قانونی رسیدگی در قضیه جزایی را به تأخیر اندازد؛ موجب تعلیق مرور زمان محسوب می‌گردد؛ مانند حدوث جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی در مرتکب است.

۴- عامل تعلیق در مرور زمان اجرای حکم: در تعلیق در مرور زمان اجرای حکم، عبارت از عواملی است که در صورت حدوث آن قانوناً نتواند مجازات قطعی را در اجرا درآورد، باعث تعلیق مرور زمان شده باشد و بعد از رفع آن مرور زمان جریان پیدا نماید؛ مانند بارداری و زایمان در زنان حامله که تا شش ماه را نتواند مجازات قطعی را اجرا نمایند.

۴-۱-۳. قلمرو مرور زمان

بر اساس حکم ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، حقوق جزای ایران، جرائم ذیل را مشمول مرور زمان نمی‌دانند یعنی از ساحه قاعده مرور زمان خارج می‌کند. طوری که «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:



الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور،

ب - جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده،

پ - جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر».

۵-۱-۳. آثار مرور زمان

هرگاه سقوط مجازات به اثر مرور زمان صورت گیرد، در نتیجه از خود یک سلسله آثار و نتایج را به بار می آورد که قرار ذیل است. در رابطه به آثار قاعده مرور زمان ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، چنین مشعر است. طوری که «موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید».

۲-۳. نسخ یا الغای حکم قانون

نسخ یا الغای حکم قانون، یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات در حقوق جزای ایران به شمار رفته است

۱-۲-۳. آثار نسخ قانون

نسخ قانون، وقتی تعقیب متهم و اجرای مجازات را موقوف می کند که قانون جدید علاوه بر وصف جرم از رفتار خاص، عطف به گذشته را بر اساس اینکه در کدام مرحله ای از مراحل رسیدگی واقع شود یک سلسله آثار از خود به جای می گذارد که قرار ذیل است.

الف- هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، قانون قدیم نسخ شود، نهادهای تعقیب یا محاکم با صادر نمودن قرار موقوفی تعقیب، به تعقیب متهم پایان می دهد.

ب- هرگاه بعد از صدور حکم قطعی محاکم، قانون قدیم نسخ شود، در نتیجه سه احتمال وجود دارد:

۱- هرگاه حکم محکومیت اجرا و تطبیق نشده باشد، پس دیگر قابل اجرا و تطبیق ناست.

۲- هرگاه حکم محکومیت در حال اجرا و تطبیق باشد، اجرای حکم موقوف می‌شود یعنی توقف می‌کند.

۳- هرگاه حکم محکومیت اجرا و تطبیق شده باشد، هیچ‌گونه اثر جزایی در آن مرتب نخواهد شد.

با نسخ قانون و عطف آن به گذشته، تعقیب کیفری متهم موقوف می‌ماند، مگر جبران خسارت شخص زیان‌دیده از جرم در محاکم حقوقی قابل مطالبه است، یعنی اشخاص زیان‌دیده می‌توانند که با مراجعه به محاکم حقوقی خسارات وارده خویش را جبران نمایند.

با زایل شدن وصف جرم بودن رفتار، تطبیق احکام ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم محصول شده باشد منتفی می‌شود، مگر از جمله اشیاء و یا اموالی باشد که در دادگاه درباره آن تصمیم اتخاذ نماید.

۳-۳. عفو عمومی

عفو عمومی، عبارت از عفوی است که به حکم قانون صورت می‌گیرد به اثر آن دعوی منقضی و حکمی که بر محکومیت مجرم صادر باشد محو می‌گردد. عفو عمومی از خود یک سلسله ویژگی‌های دارد که هرکدام آن به شکل شماره وار نشان داده خواهد شد.

۱. اینکه عفو عمومی بر اساس احکام قانون صادر می‌گردد.
۲. اینکه عفو عمومی هم جرائم و هم مجازات‌ها را از بین برده و زایل می‌نماید.
۳. اینکه عفو عمومی گاهی مطلق و گاهی مقید یا مشروط به شرایط صادر می‌گردد.
۴. اینکه عفو عمومی گاهی شامل تمام افراد جامعه می‌گردد گاهی بعضی از افراد و یا بعضی از جرائم را مستثنا قرار می‌دهد.
۵. در صورت صادر شدن عفو عمومی حقوق اشخاص ثالث را اخلاص نه می‌نماید و مدعی حق العبد حق ارائه ادعای خویش را در محکمه ذیصلاح دارد.

۱-۳-۳. آثار عفو عمومی

در صورت ساقط شدن جرائم و مجازات‌ها از اثر عفو عمومی از خود یک سلسله



آثار و نتایج را بیار می آورد که این آثار چنین است که در تمام احوال عفو عمومی نمی تواند که حقوق غیر را اخلال نماید یعنی هم جرائم و هم مجازات را ساقط می نماید. بناءً آثار عفو عمومی را قبل از محکومیت و بعد از محکومیت تحت تحقیق و بررسی قرار داده می شود.

الف: آثار عفو عمومی قبل از محکومیت قطعی

عفو عمومی پیش از محکومیت قطعی، دعوای عمومی و مجازات را ساقط می سازد. هرگاه متهم تحت تعقیب قرار نگرفته باشد، تعقیب کیفری آن به هیچ صورت آغاز نمی شود و هرگاه تعقیب متهم آغاز گردیده باشد منتهی به اصدار حکم نشده باشد در نتیجه موقوف می گردد. اگر به کسی که احتمال براءت و جود داشته باشد، قابل عفو نیست.

ب: آثار عفو عمومی بعد از محکومیت قطعی

در عفو عمومی پس از محکومیت قطعی، هرگاه متهم تعقیب شده باشد و دعوای عمومی به صدور حکم قطعی صورت گرفته باشد، با عفو عمومی محکومیت زایل می گردد.

۳-۴. اعتبار امر مختومه

اصل اعتبار امر مختومه کیفری که به نام های منع محاکمه مضاعف و احکام قطعی محاکم هم یاد می گردد یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات به شمار رفته اند که توضیحات آن قرار ذیل است.

۳-۴-۱. تعریف اعتبار امر مختومه

هرگاه در یک قضیه کیفری از طرف دادگاه یک بار حکم صادر شده باشد در این صورت حکم قطعیت حاصل نموده باشد پس نمی تواند که بار دلیل اینکه جزای وی کم است محکوم علیه و مجرم را دوباره مورد محاکمه و مجازات قرار بدهد که این قاعده بنام قاعده اعتبار امر مختومه یاد می گردد.

۲-۴-۳. شرایط اعتبار امر مختومه

اینکه اعتبار امر مختومه را من حیث یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات پنداشته شود پس لازم است که از خود یک سلسله شروط داشته باشد که این شرایط قرار ذیل اند.

شرط اول: وحدت اصحاب دعوی

هدف از وحدت اصحاب دعوی این است که اصحاب دعوی شامل متهم و مجنی علیه می‌گردد در قضیه یکی باشند یعنی اصحاب دعوی باید وحدت داشته باشند.

شرط دوم: وحدت سبب دعوی

هدف از سبب دعوی عبارت از مبانی یا اهدافی است که بر اساس آن اقدام به رسیدگی می‌شود به این ترتیب در رسیدگی جزایی، سبب دعوی اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به شخص است که ادعا شده که به نظم جامعه صدمه وارد نموده است.

شرط سوم: وحدت موضوع دعوی

هدف از وحدت موضوع دعوی این است که عمل موضوع تعقیب جزایی در رسیدگی جدید همان عملی است که در رسیدگی سابق مطرح بوده باشد.

۵-۳. اعمال قاعده درأ

قاعده درأ، یک قاعده فقهی بوده که بر اساس حدیث نبوی «ادراً الحدود بالشبهات» یا «تدرأ الحدود بالشبهات» استوار است و ترجمه حدیث فوق این است که حدها را با شبهه‌ها بردارید یا حدها با شبهه‌ها برداشته می‌شوند. از اینکه اعمال قاعده درأ، یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات به شمار می‌رود، پس لازم است که اول قاعده درأ را تعریف و بعداً آثار و نتایج قاعده درأ را تحت بررسی قرار داده می‌شود.

الف: تعریف قاعده درأ

قاعده درأ، در لغت به معنی دفع کردن را گویند یعنی دفع نمودن دعوی جزایی را گویند.



قاعده درأ، از جمله قواعد حقوق جزای اسلام است که معنی آن دفع شدن را گویند؛ که در حقوق جزای ایران یکی از جمله اسباب عینی سقوط مجازات به شمار رفته است.

جایگاه اعمال قاعده درأ، در بین جهت‌های سقوط مجازات صادق است، اجمال اعمال قاعده درأ، این است که قاعده درأ، بر اساس یک قاعده فقهی میان فقهای امامیه مشهور است (محمدعلی، اردبیلی، ۱۳۹۹، ۲۳۵).

در رابطه به اعمال قاعده درأ، ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، چنین مشعر است طوری که.

«هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود». بدون شک که مخاطب قانون‌گذار در این ماده قضاات دادگاه‌ها در مقام صادر کننده حکم است و هدف از شک و شبهه، تردیدی است که به ضمیر و وجدان قاضی راه یافته است، مگر بعید نیست که این شک و شبهه بر متهم عارض شده باشد؛ مانند کسی که مال متعلق به دیگری را به گمان اینکه مال متعلق به خود او است بردارد و دلیلی برخلاف اظهارات او نباشد تحت تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرد.

در جرائم مستوجب حدود نیز شرط اثبات جرم آگاهی مرتکب به حرمت شرعی و قانونی رفتار مجرمانه است؛ مانند اینکه مرتکب جرم ادعا نماید که به حرمت شرعی شرب مسکرات آگاهی نداشتیم و یا قصدی در این عمل نداشتیم.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، در رابطه به این قاعده چنین احکام و جود دارد؛ طوری که. «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود نداشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شود.

ب: آثار قاعده درأ

اصولاً قاعده درأ، یک قاعده ماهوی یا متنی بوده که اعمال آن در فرض سبب شبهه می‌گردد و شبهه نیز سبب تزلزل در رکن معنوی یا روانی، در نتیجه عدم تحقق جرم می‌گردد. براین اساس برخلاف سایر عوامل سقوط دعوی عمومی و مجازات مانند مرور زمان یا اعتبار امر مختومه که به دلیل شکلی و بدون اظهار نظر در ماهیت، ادامه تحقیق و رسیدگی ناممکن (علی، خالقی، ۱۳۹۵، ۱۶۸) است.

در رابطه به آثار قاعده درأ، ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران، چنین مشعر است طوریکه «در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

نتیجه‌گیری

مصادق اول عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان و ایران موضوع مرور زمان است؛ مرور زمان عبارت از انقضای مدتی است که بعد از تاریخ وقوع جرم یا تاریخ قطعیت حکم، متهم دیگر قابل تعقیب یا حکم دیگر قابل اجرا نباشد. مرور زمان در حقوق جزای افغانستان به دو نوع است که عبارت از مرور زمان دعوی جزایی و دوم آن عبارت از مرور زمان مجازات است اما در حقوق جزای ایران مصادق مرور زمان به چهار نوع می‌باشند که عبارت‌اند از - مرور زمان شکایت - مرور زمان تعقیب - مرور زمان صدر حکم - و مرور زمان اجرای حکم یا مجازات می‌باشند. فلسفه وضع قاعده مرور زمان در هر دو نظام‌های جزایی افغانستان و ایران یکسان است طوری که اکثریت حقوق دانان و اکثریت مکاتب حقوق جزا طرفدار مرور زمان است زیرا که طرفداران اصل مرور زمان دلایل بیشتری دارد نسبت به مخالفان مرور زمان. مدت مرور زمان در حقوق کیفری افغانستان و ایران فرق دارد طوری که در حقوق جزای افغانستان مدت مرور زمان جرائم جنایت ده سال، مرور زمان جرائم سه سال و مرور زمان جرائم قبایح یک سال می‌باشند و مرور زمان جزای اعدام ۲۵



سال، مرور زمان حبس دوام ۲۰ سال، مرور زمان حبس طویل ۱۰ سال، مرور زمان حبس متوسط ۳ سال، مرور زمان حبس قصیر یک سال می‌باشند. مبدأ محاسبه مرور زمان عبارت از همان روزی است که جرم به وقوع پیوسته باشد که در جرایم مختلف فرق دارد؛ اما در حقوق جزای ایران مدت مرور زمان عبارت از این است که جرائم تعزیری درجه ۱ الی درجه ۳ به مدت ۱۵ سال، جرائم تعزیری درجه ۴ به مدت ۱۰ سال، جرائم تعزیری در ۵ به مدت ۷ سال، جرائم تعزیری درجه ۶ به مدت ۵ سال، جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ به مدت سه سال می‌باشند. انقطاع مرور زمان عبارت از مدت سقوط دعوای جزایی به اجرای تحقیق، محاکمه و همچنین به جمع‌آوری دلایل قطع می‌شود، مدت مذکور سراز روز انقطاع جدید آغاز می‌یابد و هرگاه جریان مدت سقوط دعوی چند بار قطع گردیده باشد، سراز تاریخ آخرین روز انقطاع بار دیگر آغاز می‌یابد. قلمرو قاعده مرور زمان در حقوق جزای افغانستان و ایران فرق دارد که قلمرو مرور زمان در حقوق جزای افغانستان عبارت از این است که تمام جرائم را زیر پوشش قرار می‌دهد به استثنای جرائم مشمول ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که عبارت از جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت، جنایات نسل‌کشی و جنایات علیه تجاوز است؛ اما قلمرو مرور زمان در حقوق جزای ایران این است که مرور زمان تمام جرائم را زیر پوشش می‌دهد به استثنای جرائم مواد مخدر، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی... آثار مرور زمان در حقوق جزای افغانستان و ایران یکسان است، عبارت از این است که هم جرم را از بین می‌برد و هم جزا را از بین می‌برد و محکومیت مالی شخص ثالث و یا شخص غیر در حالت خودش باقی می‌ماند که این آثار در حقوق جزای افغانستان و ایران یکسان است. مبحث دوم نسخ قانون: نسخ قانون عبارت از اسقاط اعتبار یک قانون به وسیله قانون دیگر توسط مرجع ذیصلاح را گویند که در حقوق جزای افغانستان و ایران کلمه نسخ به دو نوع است یکی آن نسخ صریح است که قانون ماقبل را به طور صریح نسخ نموده و به حاکمیت قانون قبلی پایان دهد و دیگری آن نسخ ضمنی است، به طور ضمنی به حاکمیت قانون قبلی پایان دهد. آثار نسخ در حقوق جزای افغانستان و



ایران یکسان بوده یعنی آثار نسخ قانون در حقوق جزای افغانستان و ایران مشترک است، آثار نسخ قانون عبارت از این است که در صورت نسخ قانون، مجازات آن نسخ یا از بین رفته و جرائم هم از بین می‌رود. عفو عمومی هم در حقوق جزای هر دو کشور یک مصداقی از جمله مصادیق عوامل عینی سقوط مجازات به شمار رفته‌اند که عفو عمومی عبارت از شامل جماعت است و ممکن است قبل از دادرسی واقع شود. معاف شدن از کیفر، مشروط نیست، قطعی است، عنوان کیفری عمل را سلب می‌کند و تمام آثار جرم را از بین می‌برد و متهم پس از عفو عمومی برای اثبات بی‌تقصیری خود، حق تعقیب دعوی را ندارد. عفو عمومی به حق ثالث صدمه وارد نمی‌کند و عفو به دو نوع است یکی آن عفو عمومی و دیگری آن عفو خصوصی است که عفو عمومی و خصوصی باهم یک سلسله تفاوت‌های دارد که از بیان آن صرف‌نظر می‌گردد. عفو عمومی بعضی ویژگی‌ها هم دارد مانند اینکه عفو عمومی به واسطه قانون صادر می‌شود. آثار عفو عمومی در حقوق جزای کشورهای افغانستان و ایران عبارت از این است که در صورت عفو عمومی تمام جرائم و مجازات‌ها ساقط می‌شود و محکومیت مالی حقوق غیر یا اشخاص ثالث به حالت عادی خودش باقی می‌ماند. اعتبار امر مختومه هم یکی از عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق کیفری کشورها شناخته شده که عبارت از این است که هرگاه در مورد یک عمل جرمی یک شخص دادگاه صالح فیصله صادر نماید که این فیصله حالت قطعی و نهایی را به خود اخذ نماید در نتیجه در قبال همان جرم همان شخص محاکمه و مجازات نمی‌شود که این یک قاعده در حقوق جزا شناخته شده که بنام‌های اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف و احکام قطعی محاکم هم یاد می‌کنند که این قاعده از خود دارای سه شرط است طوری که شرط اول آن وحدت اصحاب دعوی، شرط دوم آن وحدت سبب دعوی و شرط سوم آن وحدت موضوع دعوی است که این قاعده در حقوق جزای افغانستان و ایران باهم یکسان است. اعمال قاعده در رأی یکی از مصداق عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای ایران به شمار رفته‌اند که در حقوق جزای افغانستان از این قاعده تذکری داده نشده‌اند و نتایج این قاعده این است

که در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود.



فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

۱. آشوری، دکتر محمد، (۱۳۹۸)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ ۲۱، تهران، انتشارات سمت.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۹)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، چاپ ۲۱، مکان نشر تهران، انتشارات بنیاد حقوقی نشر میزان.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتاب‌خانه گنج دانش.
۴. خالقی، علی، (۱۳۹۵)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ ۳۳، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۵. دانش، حفیظ الله (۱۳۹۵)، *حقوق جزای بین‌المللی*، جلد دوم، چاپ پنجم، کابل، انتشارات مستقبل.
۶. دانش، حفیظ الله (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ اول، کابل، انتشارات سیرت.
۷. دانش، حفیظ الله (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ اول، کابل، انتشارات سیرت.
۸. رسولی، محمد اشرف، (۱۳۹۴)، *شرح و توضیح قانون اجرائات جزایی*، چاپ اول، کابل، انتشارات وزارت عدلیه افغانستان.
۹. رسولی، محمد اشرف، (۱۳۹۹)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، چاپ دوم، کابل، موسسه نشر واژه.
۱۰. رسولی، محمد اشرف (۱۳۹۳)، *تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان*، جلد دوم، چاپ دوم، کابل، انتشارات سعید.
۱۱. ستانکزی، نصرالله و دیگران، (۱۳۸۷)، *قاموس اصطلاحات حقوقی*، چاپ اول،





- کابل، تمویل و چاپ توسط پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان، اداره انکشافی بین‌المللی ایالات متحده آمریکا (USAID)، چاپ افغانستان.
۱۲. علامه، غلام حیدر، (۱۳۹۹)، *اصول محاکمات جزایی افغانستان*، چاپ چهارم، کابل، انتشارات دانشگاه ابن‌سینا.
۱۳. عمید، حسن عمید، (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی عمید (دوره یک جلدی)*، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ نما.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، *کلیات حقوق*، نظریه عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۱۵. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۵)، *حقوق جزای عمومی ایران*، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. معین، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین (دوره یک جلدی)*، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ نما با همکاری انتشارات کتاب آزاد.
۱۷. ولیدی، دکتر محمد صالح، (۱۳۸۸)، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، جلد اول، دوم و سوم، چاپ اول، تهران انتشارات جنگل، جاودانه.

ب: مقالات و پایان‌نامه‌ها

۱۸. آقا بابائی بنی، اسماعیل، (۱۳۹۴)، «کاربرد قاعده درء در جرائم غیر حدی»، فصلنامه علمی-پژوهشی کاوشی نودر فقه، سال ۲۲، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴.
۱۹. احسانی، جعفر، (۱۳۹۶)، «مرور زمان کیفری در فقه اسلامی و حقوق کیفری افغانستان»، استاد راهنما: عبدالکریم اسکندری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی - افغانستان.
۲۰. ثانی، رضا دانشور و خسرو، کاظم، (۱۳۹۵)، «بررسی فقهی قاعده درء با تکیه بر قانون مجازات اسلامی»، دو فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق سال دهم/ شماره ۳۳/ بهار و تابستان/ ۱۳۹۵



۲۱. حبيب زاده، محمدجعفر و همكاران، (۱۳۹۷)، «كاوشى در بايسته‌هاى اعمال قاعده درأ در اجراى مجازات در منظر فقه جزائى و حقوق موضوعه»، فصلنامه پژوهش‌هاى حقوق تطبيقى، دوره ۲۲، شماره ۳، پاييز ۱۳۹۷.

۲۲. حبيب زاده، محمدجعفر و همكاران، (۱۳۸۴)، «قاعده منع محاكمه و مجازات مجدد در حقوق كيفرى بين‌المللى»، فصلنامه مدرس علوم انسانى، ويژه‌نامه حقوق، بهار ۱۳۸۴.

۲۳. ساداتى، سيد محمد مهدى، (۱۳۹۵)، «شرائط اعمال قاعده درأ در فقه اماميه و قانون مجازات اسلامى»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامى سال ۸، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

۲۴. مرتاضى، احمد و بخشايش، امير اميران، (۱۳۹۷)، «اثر محكوميت زدايى و كيفر زدايى قاعده درأ در جنايات موجب قصاص با رويكردى به قانون مجازات اسلامى (۲۹۳۱)». فصلنامه پژوهش حقوق كيفرى، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۷.

۲۵. مفلح، گدامحمد، (۱۳۹۴)، «عوامل سقوط مجازات در فقه اسلامى و حقوق افغانستان، استاد راهنما: عيد محمد احمدى، پايان‌نامه كارشناسى ارشد، دانشكده فقه قضايى، دانشگاه بين‌المللى المصطفى - افغانستان،

۲۶. ميرزائى، اقبال على، (۱۳۹۴)، «مفهوم و صورت‌هاى نسخ»، مجله حقوقى دادگستري، سال ۷۹، شماره ۹۰، تابستان ۱۳۹۴.

ج: قوانين

۲۷. قانون اساسى مصوب ۱۳۸۲ افغانستان.

۲۸. كود جزا مصوب ۱۳۹۶ افغانستان.

۲۹. قانون مجازات اسلامى مصوب ۱۳۹۲ ايران.

۳۰. قانون اجراءات جزائى مصوب ۱۳۹۳ افغانستان.

۳۱. قانون آيين دادرسي كيفرى مصوب ۱۳۹۲ ايران.